بایدها و نبایدهای نظارت بر فضای مجازی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین بهرامی
رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

اشاره: امروزه فضای مجازی یا دیجیتال، اهمیتی همسانِ فضای واقعی یا بیرونی دارد. بدیهی است که شناخت درستِ ویژگی‌ها، آثار و پیامدها و نیز نظارت و مدیریت صحیحِ این فضا، نقش به‌سزایی در سلامت و پیشرفت زندگی بشری ایفا می‌کند. در این راستا، دقایقی را با جناب حجّت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین بهرامی، رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، به گفت‌وگو نشستیم تا بایدها و نبایدهای نظارت بر فضای مجازی را مرور نماییم. نوشتار پیش رو، ضمن نگاه به وضعیت فعلی مجازی، مسئولیت و جایگاه متولیان، سازمان‌ها و نهادهای علمی و فرهنگی را در زمینه نظارتی بایسته و شایسته بر این فضا یادآور شده است.

امید است، آنچه از نظر شما خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان این دست مباحث می‌گذرد، مورد استفاده قرار گیرد.

▫ وضعیت فعلی فضای مجازی در کشور را چطور ارزیابی می‌کنید؟

• چند سالی است که جامعه با فضای مجازی، به‌عنوان یک پدیده علمی مواجه شده است و به نظر می‌رسد که فضای مجازی، یک پدیده فرهنگی است و نه یک ابزار فرهنگی. شاید بنا بر تعریفی، بُعد جدیدی از حیات انسان و شکل جدیدی از جوامع انسانی را شکل می‌دهد که دارای ابعاد و ویژگی‌های تازه‌ای نیز هست.

اگر از زاویه شبکه‌های اجتماعی به موضوع نگاه کنیم، در گذشته در شبکه‌های اجتماعی مانند: خانواده، محل کار، دوستان محدود و... عضو بودیم و هرکسی عضو چند گروه اجتماعی بود؛ اما با بروز فضای مجازی، با بی‌نهایت شبکه اجتماعی، با ظرفیت و تعریف‌های مختلف مواجه هستید که می‌توانید، به‌راحتی با افراد مختلف تعامل و تأثیر و تأثّر داشته باشید. عضویت در گروه‌های اجتماعی، بخشی از خروجی فضای مجازی است و از این قبیل می‌-توانیم، تأثیرهای بسیاری را مشاهده کنیم که برآیند آن، یک عالَم جدید برای زیست انسانی است؛ در برابر عالمی که در آن زیست می‌کردیم.

با وجود تفاوت کلی دو محیط، می‌توانیم بگوییم آن عالم نیز، برای خودش نیازمند تعریف در چارچوب و محدوده قوانین و ویژگی‌هایی است؛ یعنی هرآنچه در عالَم حقیقی مشاهده می‌کنیم، در عالم مجازی نیز وجود دارد. البته تعبیر عالم مجازی، قدری رهزن است؛ بهتر است بگوییم، عالم بیرونی و عالم دیجیتال. در حقیقت، منظور از عالم مجازی، این نیست که حقیقتی در بین نباشد؛ بلکه فضای آن مورد نظر است.

به هرحال، این فضا نیز به‌لحاظ فرهنگی، ابعاد و تأثیراتی را با خودش به‌همراه دارد. در این فضا، طبیعی است که اگر گرفتار انفعال و بی‌عملی باشیم، آفاتی به‌همراه خواهد داشت. همچنین، تأثیرات این آفات در زندگی حقیقی و بیرونی ما ملموس خواهد شد. نمونه این مسئله، اغتشاش‌های اخیر است؛ مراد بنده ناآرامی‌هایی است که در شهریور ۱۴۰۱ در کشور پدید آمد و طی آن، دشمن سعی داشت، از بستر رها و یله فضای مجازی حاکم بر جامعه، در جهت پیشبرد اهداف خویش استفاده کند.

گفتنی است که رخدادهای اجتماعی، تک‌ساحتی و تک‌بُعدی نیستند و همواره مجموعه‌ای از عوامل، این رخدادها را ایجاد می‌کنند؛ اما یکی از پُررنگ‌ترین عوامل ایجادکننده اغتشاش‌های اخیر، بستر فضای مجازی و تأثیر آن در زندگی طبقه‌ای از افراد اجتماع است که کنش آنها در فضای مجازی شکل گرفته است؛ به‌خصوص که افرادی در سنین پایین در این اغتشاش‌ها حضور داشتند که مشکل آنان، مشکل معیشتی نبود. ضمن اینکه فرهنگ جامعه ما، به‌گونه‌ای نیست که مسائل معیشتی چنین بروز و ظهوری داشته باشد. بنابراین، افرادی که بین سنین ۱۶ تا ۱۸ سال در اغتشاش‌ها شرکت کردند، افرادی هستند که در دوره دبیرستان یا اوایل دانشگاه قرار دارند و سال‌هاست، به‌دلیل بیماری کرونا، فضای اجتماعی را تجربه نکرده‌اند و از جمع‌های خانوادگی و تحصیلی محروم بوده‌اند و محل زیست آنها، فضای مجازی بود.

ضرورت مدیریت فضای مجازی

برخی از بی‌قیدی‌ها، پوچ‌گرایی‌ها و عدم احترام به هنجارهای اجتماعی و مذهبی که در این قشر وجود دارد، ناشی از حضور چندساله آنها در فضای مجازی است؛ چراکه ما به‌دلیل همه‌گیری بیماری کرونا، جوانان کشور را به سوی فضای مجازی سوق دادیم و غافل بودیم که دیگرانی هستند که این فضا را در کنترل خود دارند و در واقع، جوانان خویش را در این فضا رها کردیم.

بنابراین، فضای مجازی نیاز به مدیریت دارد؛ همان‌طور که فضای حقیقی جامعه را در کنترل داریم؛ به‌عنوان مثال، نهادهایی در کشور وظیفه کنترل آمدوشد را به عهده دارند و نهادهایی هم هستند که بر بازار و قیمت‌ها نظارت می‌کنند و آفات را بررسی می‌نمایند؛ ده‌ها مدل مراقبتی دیگر در جامعه حقیقی وجود دارد. حتماً انتظار این است که این مرزبانی و کنترل و مراقبت‌ها را در فضای مجازی نیز انجام بدهیم. مرزبانی در مرزهای حقیقی، به این معنا نیست که قصد داریم، جلوی هر نوع ورود و خروج به کشور را بگیریم. همچنین سازمان غذا و دارو، به‌معنای جلوگیری از خوردن و آشامیدن مردم نیست؛ بلکه اینها به‌دلیل کنترل امنیت و سلامت فضای حقیقی جامعه هستند و همین کنترل و مراقبت، در فضای مجازی نیز لازم است.

مدیریت فضای مجازی در کشورهای توسعه‌یافته

نکته دوم اینکه در دنیای امروز، کشورهایی که پایه‌گذار فضای مجازی هستند و شعار آزادی سر می‌دهند، این فضا را به حال خودش رها نکرده‌اند و روی محتواهایی که عرضه می‌شود، کنترل و مراقبت دارند و هرکسی از فضای مربوط به خودش مراقبت می‌کند. روزانه اخباری منتشر می‌شود که کشورها برای پلتفرم‌های مختلف، ایجاد محدودیت می‌کنند یا آن را اجبار به انجام کاری می‌نمایند و یا صاحبان این پلتفرم‌ها را نسبت به جرمی که مرتکب شده‌اند، محکوم می‌کنند.

وقتی داخل یک پلتفرم خارجی فعالیت می‌کنیم، ما را بر طبق افکار و هنجارهای خودشان کنترل می‌کنند و اجازه عرضه هر محتوایی را نمی‌دهند. مشهورترین مورد آن، پلتفرم اینستاگرام و ماجرای شهید سلیمانی است. قبل‌تر نیز، مانند این مورد را در ویکی‌پدیا داشتیم که اطّلاعات در آن، به‌صورت جهت‌دار نشر داده می‌شوند؛ یعنی در عمل، در تضاد با هنجارهای جامعه ما قرار داشتند. وقتی این پلتفرم نسبت به هنجارهای خودش مراقبت می‌کند، چرا ما نباید این فضا را مدیریت و مراقبت کنیم و نسبت به مسائلی که در آن مطرح می‌شود، واکنش نشان بدهیم!

▫ تعریف جناب‌عالی از موضوع فیلترینگ در فضای مجازی چیست؟

• گاهی، از مدیریت فضای مجازی، به محدودیت یا فیلترینگ تعبیر می‌شود؛ اما باید عرض کنم که ما به دنبال مسدودسازی و تعطیل کردن فضای مجازی نیستیم. هدف شبکه ملّی اطلاعات، همانند پلیس مرزبانی است. وظیفه پلیس مرزبانی، کنترل ورود و خروج است و نه بستن مرزها. بنابراین، قوانینی که در باره فضای مجازی ایجاد می-شود، باید این ویژگی را داشته باشد که بتواند، آمدوشد را ضابطه‌مند کند. در تبادلات تجاری، قواعدی وضع می‌شود که گاهی واردات یا صادرات یک کالا الزاماً ممنوع نمی‌شود؛ اما با تعرفه‌گذاری تشویق می‌شود که تراز تجاری به کدام سمت مثبت باشد و چه چیزهایی بیشتر وارد یا صادر بشود.

▫ نقش مسئولان فرهنگی در مدیریت فضای مجازی را چگونه توصیف می‌کنید؟

• چنانچه فضای مجازی را مدیریت نکنیم، نه‌تنها منجر به هرج و مرج خواهد شد؛ بلکه دیگران مدیریت این فضا را به‌سود خودشان در دست خواهند گرفت. چنانچه رفتار مدیران کشور در خصوص فضای مجازی را رصد کنیم، شاهد یک بی‌عملی و بی‌تفاوتی نسبت به مدیریت فضای مجازی خواهیم بود. فرهنگی که از فضای مجازی در جامعه شکل گرفته و نیز مسیری که دیگران نسبت به ما در فضای مجازی در پیش گرفته‌اند و پیامدهای آن که دامن جامعه ما را گرفته است، همگی ناشی از بی‌عملی مسئولان مدیریت فضای فرهنگی است. این بی‌عملی، بیشتر در دو عامل دیده می‌شود که البته عوامل دیگری نیز دارد؛ اما این دو عامل، تأثیر بیشتری داشته‌اند:

الف) وادادگی برخی از مسئولان نسبت به غرب و بحث هایی نظیر مدرنیسم و تکنولوژی

یعنی وقتی تکنولوژی فضای مجازی وارد کشور می‌شود، می‌خواهند با بالاترین سرعت ممکن از آن استفاده کنند و هیچ توجّهی به پیامدهای آن ندارند و همچنان افتخار می‌کنند که هیچ کشوری در دوران کرونا، به‌اندازه ما از فضای مجازی بهره نبرده است؛ درحالی‌که بسیاری از کشورها، توان این کار را داشتند؛ اما پیوست فرهنگی آنها، اجازه این کار را به آنان نمی‌داد؛ حتی در کشورهای مدرن هم، این کار انجام نشد؛ ولی ما در ایران، این کار را انجام دادیم و به آن افتخار هم کردیم.

ب) سیاست‌زدگی

عامل دومی که نیاز داریم، سازوکار آن را در کشور فراهم کنیم تا از آسیب‌ها در امان باشیم، بحث سیاست‌زدگی مسائل مختلف در کشور است. در کشور ما، بسیاری از مسائل به‌جای اینکه متأثر از برنامه‌ریزی کلان کشور باشد، متأثر از فضای سیاسی است. فضای مجازی، ابزاری در جهت کشمکش‌های سیاسی است؛ عدّه‌ای از این فضا برای دست یافتن به اهداف سیاسی خودشان استفاده کنند و عدّه‌ای دیگر، به دنبال محدود کردن فضای مجازی در جهت عدم دستیابی رقیب سیاسی به اهدافش است. به‌همین جهت، تفکّر گروه‌های مختلف سیاسی، به سوی بهره‌برداری از فضای مجازی است؛ آن هم به‌نحوی دیگر، تا رقیب قادر به محدود کردن آن نباشد. بنابراین، در دولت‌های مختلف، برنامه‌های گوناگونی در خصوص فضای مجازی در پیش گرفته شد. بسیاری از سیاست‌مداران حاضر نیستند، فضای مجازی به‌نحوی که در اختیار عموم مردم است، در اختیار خانواده خودشان باشد و آن را مضرّ می-دانند.

در جهان امروز ما در حاشیه اتّفاقات هستیم و در واقع، بخش کوچکی از دنیا به‌شمار می‌رویم و مهم‌ترین ابزارهای تعاملی فضای مجازی، در اختیار جریان‌های بزرگ جهانی است که قدرت تأثیرگذاری دارند و ما این قدرت را نداریم؛ به‌عنوان مثال، ما قادر نیستیم در سطحی که اروپا با گوگل تعامل دارد، با این شرکت تعامل داشته باشیم. درعین حال، نباید منفعل باشیم. مثال این مورد، مانند تجارت غذای حلال است که ما سهم کمی از آن داریم. برند غذای حلال، در دنیا ایجاد شده و چنانچه در هر نقطه از جهان، بخواهیم غذای حلال تهیه کنیم، تا حدی برایمان ممکن است؛ امّا کشور ما در این تجارت، سهم ناچیزی دارد. در یکی از دولت‌ها، اجرای شبکه ملّی اطّلاعات در دستور کار قرار گرفت؛ اما چون اعتقادی به انجام آن نداشتند، به‌نحوی عمل کردند که درنهایت، نتیجه برعکس به دست آمد.

مثال دیگر، فیلترینگ نرم‌افزار تلگرام است که در این خصوص، به‌گونه‌ای عمل کردیم که ضرب‌المثلی برای انجام یک کار بد بود. در انجام این کار، پوسته‌ای طراحی شد که به دنبال آن، تلگرام این فرصت را به دست آورد تا فیلترینگ خودش را دور بزند و این کار را دولت وقت انجام داد؛ یعنی ابتدا تلگرام طلایی را راه‌اندازی کرد و فرصتی به تلگرام داد، تا کار خودش را انجام بدهد و بعد هم، گوگل تلگرام طلایی را بست. این کار، مانند این بود که ما با مدیر تلگرام همکاری کردیم تا این اقدام ملی به سرانجام نرسد. مانند اینکه ما مرزها را به‌وسیله مرزبان‌ها ببندیم، خودمان هم، راه قاچاق را ایجاد کنیم و بعد هم بگوییم، مرزبانی فایده‌ای ندارد؛ چراکه نتوانسته، جلوی قاچاق را بگیرد؛ درحالی‌که خودمان باعث شدیم، مرزبانی بی‌اثر شود. چه‌بسا اگر کار را درست انجام می‌دادیم، تلگرام شرایط دولت ایران برای حضور در کشور را می‌پذیرفت؛ اما وقتی مجبور به این کار نباشد، هیچ‌گاه این شرایط را نخواهد پذیرفت. بنابراین، نهادهای حاکم دچار بی‌عملی هستند و به نظر می‌رسد، این بدعملی، ناشی از همان سیاست‌زدگی باشد و با وجود سازوکاری که به اسم شورای‌عالی فضای مجازی چیده شده است، به‌دلیل استفاده ناصحیح از آن، نتیجه مورد انتظار به وجود نیامده است.

بنابراین، باید به سویی برویم تا قادر باشیم، بر فضای مجازی اعمال حاکمیت کنیم؛ چراکه این فضا، یک ابزار حکمرانی و یک فضای زیست است که نیاز به حکمرانی دارد. تصوّر کاربران فضای مجازی از اینکه ما از حکمرانی کشور رها شده‌ایم، غلط است؛ زیرا در این‌صورت، تحت حکمرانی دیگران و هدایت آنها قرار خواهیم گرفت.

▫ مراکزی مانند مرکز نور، چگونه می‌توانند در جهت‌دهی و سالم‌سازی فضای مجازی، مشارکت و نقش‌آفرینی داشته باشند؟

• ما در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، سیاست مشخّصی را دنبال می‌کنیم. مأموریت ما در مرکز، معطوف به حوزه نخبگانی و همراه با برچسب علوم اسلامی است. ما بنا داریم زیرساخت‌های بهره‌برداری از علوم اسلامی را برای نخبگان، طلاب و دانشگاهیان آماده کنیم. ما در بُعد علمی، بروز و ظهور خوبی در فضای مجازی داریم و مرجع اصلی پژوهشگران در علوم اسلامی در داخل کشور و همچنین، مرجعی شناخته‌شده در خارج از کشور هستیم و در پلتفرم‌های مختلف، جایگاه شایسته‌ای داریم.

در حوزه علوم انسانی، پایگاه نورمگز خدمات منحصربه‌فردی را ارائه می‌دهد و مرکز نور، صاحب تنها بانک اطّلاعاتی است که چندین پژوهشگاه و دانشگاه اروپایی و آمریکایی، مشترک این بانک اطّلاعاتی برخط شده‌اند. این در حالی است که کشور ما همیشه مصرف‌کننده بانک‌های اطّلاعاتی خارجی بوده است. این مسائل، نشان می‌دهد که این مرکز مسیر خوبی را دنبال می‌کند؛ اما در مسئله فرهنگ عمومی، نهادهای دیگری مسئول هستند.

مرکز در پایگاه حوزه‌نت، فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد که به‌نوعی در حاشیه کارهای ماست؛ البته پایگاه حوزه‌نت که توفیقات خوبی هم داشته، می‌توانست فعالیت‌های بیشتری داشته باشد؛ امّا باید توجّه داشته باشیم که این فعالیتِ اوّل مرکز نیست و در توسعه‌یافتگی، همانند دیگر محصولات مرکز نیست؛ ولی فعالیت‌های دینی پایگاه حوزه‌نت، حجم مخاطب مناسبی دارد.

همچنین، فعالیت‌های خوبی در حوزه خط و زبان فارسی داریم که منحصربه‌فرد است.

▫ فعالیت سایر سازمان‌ها و نهادها در خصوص فضای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• در خصوص فعالیت سایر سازمان‌ها و نهادها در خصوص فضای مجازی، باید گفت، تاکنون کارهای خوبی انجام شده است؛ یعنی این‌طور نیست که هیچ کاری صورت نگرفته باشد و نباید دائم از کاستی‌ها سخن گفت. امروزه گروه‌های بسیاری در فضای مجازی مشغول به کار هستند که از طرف سازمان‌های مختلف حمایت می‌شوند و برخی سازمان‌ها خودشان مشغول به‌کارند و گروه‌های گوناگونی در قالب پایگاه‌ها و شبکه‌های مختلف اجتماعی و... در حال عرضه محتوا و دفاع از فرهنگ دینی و ملّی ایران هستند؛ به‌ویژه که برخی از آنها، جنبه خصوصی دارند و فعّالیّت آنها، ناشی از عِرق دینی و ملّی است. بنابراین، منصفانه نیست که بگوییم، هیچ فعّالیّتی انجام نشده است.

نکته دوم اینکه برآیند همه این فعالیت‌ها، به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت، اتّفاقی که لازم بوده، رخ نداده است؛ یعنی این حجم از عملیات، نتیجه رضایت‌بخشی نداشته و خروجی کار، اشکال‌های بسیاری دارد. همین که برخی، اصل فعّالیّت‌ها را منکر می‌شوند، نشان می‌دهد که این فعّالیّت‌ها وسعت و تأثیرگذاری لازم را ندارد. نکته دیگر اینکه وقتی فضای مجازی رها می‌شود، نمی‌توانیم انتظار یک اتّفاق خوب را داشته باشیم؛ به‌عنوان مثال، وقتی برای فعالیت در فضای مجازی، نیازی به اخذ مجوز نباشد، اگر کسی امکان دریافت مجوز را هم داشته باشد، هرگز به دنبال اخذ مجوز نخواهد رفت؛ چراکه نیازی به آن ندارد.

نکته دیگر اینکه گاهی کارهایی می‌کنیم که تأثیر فعالیت‌های‌مان حداقلی باشد و نتیجه لازم را نداشته باشد. خاطرم هست، در دورانی که کشور شروع به محدود کردن پلتفرم تلگرام کرد، افرادی که مأمور به این کار بودند، در مردم نسبت به پیام‌رسان‌های داخلی ایجاد ترس می‌کردند.

▫ آیا قوانین نظارت بر فضای مجازی، نیازمند بازنگری و تکمیل هست؟

• گستردگی و تنوّع تأثیر فضای مجازی و تغییرات سریع آن، ما را نیازمند وضع حجم وسیعی از قوانین فضای مجازی و به‌روزرسانی سریع و دائمی آنها دارد. البته سرعت تغییر قوانین در کشور ما، بسیار پایین است؛ حتی قوانینی در کشور وجود دارد که مربوط به قبل از انقلاب است؛ امّا شرایط فضای مجازی، این‌طور نیست. باید برای آن، قوانینی وضع شود و به‌موقع، روزآمدسازی شود. به نظر می‌رسد که نیاز داریم، سه اتّفاق را ایجاد کنیم:

الف. ایجاد گفتمان مشترک در فضای مجازی

اوّل اینکه قبل از وضع قوانین، نیاز به یک گفتمان مشترک در فضای مجازی داریم. امروز در مجلس شورای اسلامی، عدّه‌ای بر این باورند که اقتضای فضای مجازی، باز بودن بی‌حدوحصر آن است و هر نوع محدودیت برای آن را اشکال تلقّی می‌کنند. در چنین فضایی، شاهد قوانین بعضاً متناقض خواهیم بود؛ یعنی وقتی طیفی از مجلس می‌رود و طیف دیگری می‌آید، قوانین برعکس خواهند شد. در این شرایط، نمی‌توان طرحی را به مجلس ارائه داد. بنابراین، ابتدا باید یک گفتمان مشترک به وجود بیاید که در اصل موضوع، به توافق برسند و بعد بحث بر سر سخت‌گیری یا تساهل باشد.

ب. ایجاد سازوکارهای خاصّی برای اجرای قوانین

بدیهی است که اجرای هر قانونی، سازوکارهای خاصّ خود را نیازد دارد. قوانین فضای مجازی هم، از این قاعده مستثنی نیست و متولیان امر باید با توجّه به نیازهای روز جامعه، قوانین مناسبی وضع کنند.

ج. اجرای صحیح قوانین

هرچقدر قوانین خوبی در کشور به وجود بیاید و هرچه ساختار مناسبی برای مدیریت فضای مجازی ایجاد کنیم، چنانچه عاملان این قوانین، عملکرد مناسبی نداشته باشند، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. در کشور برای اینکه حکمرانی فضای مجازی را در اختیار بگیریم، اقدام به ایجاد شورای‌عالی فضای مجازی کرده‌ایم. حال، می‌بینیم که گاهی رئیس‌جمهور در این شورا شرکت نمی‌کند یا قوانین آن را ابلاغ نمی‌نماید و حتی قوانین ابلاغ‌شده را اجرا نمی‌کند و بدتر از آن، اینکه قوانین را به‌نحوی اجرا می‌کند که اوضاع بدتر می‌شود. بنابراین، همه مسائل باید در کنار هم قرار بگیرد؛ یعنی گفتمان باید اتّفاق بیفتد، ساختارسازی لازم از طرف مدیران شکل بگیرد و در نهایت، اجرای خوب قوانین که همراه با تصمیم به اجرا باشد، محقّق شود. در این‌صورت، فضای مجازی کشور، به سمت وسوی صحیح سوق داده خواهد شد.

▫ اگر مبحثی به نظر جناب‌عالی باقی مانده، بیان بفرمایید؟

• خدا را شاکریم که رهبر انقلاب پیش از بسیاری از اتّفاقات، به فضای مجازی اشاره کردند و بارها هشدار دادند که به داد فضای مجازی برسید و حتّی به مسئولان نهیب زدند و از آنها خواستند، این اتّفاقات رقم بخورد؛ امّا متأسفانه، این کار انجام نشد.

در حوزه علمیه نیز، ایشان طلّاب را خطاب قرار می‌دهند و نسبت به ابزار فضای مجازی هشدار می‌دهند. ما در حوزه نیاز داریم، نسلی از محقّقان و پژوهشگران و مبلّغان مسلّط به ابزار فضای مجازی داشته باشیم تا ظرفیت ایجاد فکر و نظریه و گفتمان جدید در این فضا را داشته باشند. این موضوع، چالشِ پیش روی ماست.

گفت‌وگو و تنظیم: حمید کرمی